

معرفی نسخه خطی دیوان حاجی اسلم سالم کشمیری خزانه کتابخانه رضا رامپور

محمد محسن*

کشمیر واقعاً جنت نظیر است. شاعران فارسی درباره گلشن کشمیر گفته‌اند که خاک کشمیر را اگر در مشت بیفشارند از هر انگشت آب خواهد چکید. از هر گل گلشن کشمیر صفا و جمال و غمزه و کنایه شاهد معنی هویداست. به همین سبب است که کشمیر در دامان خود شاعران نازک خیال همچون یعقوب صرفی کشمیری، شاه همدان سید علی همدانی، شیخ محسن فانی، عبدالغنی بیگ قبول، مرزا طاهر غنی، احسن الله خان احسن، فصاحت خان راضی، داراب بیگ جويا و محمد پناه قابل را پروراند است. درباره عهد عالمگیر (اورنگ‌زیب) گفته‌اند که این بادشاه به شعر و سخن هیچ رغبت نداشت، وی به این فن بی‌اعتنا بود و فن شعر فارسی در عهد خود رو به زوال بود و اصحاب فن در انتشار و کساد بازاری به سر می‌بردند، ولی این خیال درست نیست. واقعیت این است که اورنگ‌زیب به سبب کار سیاسی و اقتصادی و امور ملکی مهلت مناسبی نداشت که مجلس شعر و سخن را آرایش دهد، ولی افراد خانواده‌اش شعر و سخن و دیگر فنون لطیفه را سرپرستی نموده‌اند و خودشان سخن سنج و سخن فهم هم بوده‌اند. مزید دیگر این عهد این است که شعر و سخن از قید دربار رسته در فضای آزاد نفس کشیده است و شاعران در اصناف گوناگون به راه راست رابطه با عوام و وطن خود نموده‌اند. اثبات این دعوی از آثار گرانمایه‌شان به دست می‌آید. آقای دکتر

* رئیس بخش فارسی کالج بانوان دولتی، قلعه، رامپور (آتراپرادش).

محمد عمر درست نوشته‌اند که با بررسی شعر فارسی و تذکره‌های این عهد نقش واقعی اجتماع و سیاست آن وقت منقش می‌شود.^۱

خوشگو می‌نویسد که مذاق شاعر از اینجا تصور باید کرد که با همجو مرزا بیدل این قسم حرف زده و مرزای مرحوم در تمام عمر دیوان کسی طلب نفرمود مگر دیوان حاجی که چند شبانه روز در مطالعه داشت و حساب می‌گرفت.

اینجا به‌طور دلیل دعوی مزبور یکی از شاعر شهیر این عصر (حاجی محمد اسلم سالم) را به‌حواله نسخه‌های خطی دیوانش معرفی می‌نمایم. متأسفانه دیوان نامبرده هنوز به‌زیور چاپ آراسته نشده است. حال آنکه وی شاعری است که تربیت داده شیخ محسن فانی استاد طاهر غنی کشمیری و تجلیل یافته میرزا عبدالقادر بیدل است. یک

دیوان حاجی محمد اسلم سالم کشمیری به‌شماره ۳۶۳۷ و به‌اندازه ۲۲×۱۲ به‌خط نستعلیق زیبا در کتابخانه رضا، رامپور نگهداری می‌شود که کاملاً مشتمل بر غزلیات است و تعداد ابیاتش حدوداً هفت هزار بیت می‌باشد. نسخه دارای ۵۲۶ صفحه است. درباره اسم کاتب هیچ‌اشاره‌ای موجود نیست، ولی از عبارت ترقیمه چنین متبادر می‌شود که این نسخه در سال هزار و صد و سی و سه هجری کتابت شده است. عبارت حسب زیر است:

”به‌تاریخ بیست و چهارم فرخنده ماه شوال هزار و صد و سی و سه هجری حسب‌الفرمایش سرکار فیض آثار، رفعت و معالی نشان دستگیر در ماندگان، قبله‌گاه بی‌کسان میرزا محمد اصلح سلمه الله الرحمن به‌اتمام رسید“^۲.

ارزش نسخه

نسخه خطی دیگر دیوان سالم که در کتابخانه خدابخش پتنا موجود است نسخه‌ای کاملتر به‌نظر می‌آید، چه در آن نسخه علاوه بر غزلیات، قصاید، مثنویات، رباعیات،

۱. نذر مقبول، مطبع نامی، لکهنو، فوریه ۱۹۷۷ م.

۲. دیوان سالم، مخزونه کتابخانه رضا، ص ۵۲۶.

مخمسات و قطعات هم یافته می‌شود، اگر با استفاده هر دو نسخه کلیات کامل دیوان سالم به زیور چاپ آراسته شود یک کار عظیم شعر فارسی انجام خواهد شد و از این کار تردید این خیال هم خواهد شد که دیوان سالم مشتمل بر ده هزار بیت است. چه حدوداً هفت هزار بیت غزلهای سالم در نسخه رضا موجود است. بعد از تدوین نسخه کامل ممکن است تعداد ابیات دیوان سالم تا پانزده هزار بیت هم برسد.

احوال مؤلف و استاذ عظیم‌المرتبیت وی

اسم استاذ محمد اسلم سالم، شیخ محمد محسن فانی است. فانی مطابق قول محمد اعظم مؤلف «واقعات کشمیر» از بنی‌اخوان جامع‌الکمالات شیخ یعقوب صرفی است.^۱ مطابق صاحب تذکره مرآة‌العالم بختاور خان، فانی مسمی به «شیخ محسن محمد فاضل» بود. «سخنش خیلی رنگین و مرتب است»^۲. چون حاجی محمد اسلم سالم از پاندیت‌های کشمیر بود به راهنمایی محسن فانی به اسلام گروید و در فن شعر از وی بهره‌مند شد.^۳ وی به خدمت پادشاه‌زاده محمد اعظم شاه پسر میانه اورنگ‌زیب عالمگیر اعتبار کلی داشت. شاهزاده مزبور بی‌تکلف نقاد سخن و قدردان ارباب این فن بود و خود نیز بنابر موزونی طبع زبان را گل فشان می‌نمود.^۴ میرزا بیدل، میر محمد زمان راسخ و شیخ حسین شهرت همه شعرای دربار محمد اعظم شاه‌اند.^۵ شاعر ما بعد از کشته شدن شاهزاده به عزم وطن چون به دهلی رسید به شوق ملاقات نمودن مرزا بیدل که باهم اخلاص قدیمی بود، رفت و صحبت شعر به میان آمد. مرزا مرحوم (بیدل) از دیوان خود چند بیت برخواند، حاجی گفت این همه شنیده‌ام آنچه در این روزها نوشته شده از آن هم باید خواند و غرض از این آن داشت که ترقی فکر وی معلوم کند. خوشگو می‌نویسد که مذاق شاعر از اینجا تصور باید کرد که با همچو مرزا بیدل این

۱. هلال، مدیر سید محمد عابد شیر انتشارات اداره مطبوعات پاکستان، کراچی، شماره ۱، سال ۱۳۷۸ ش، ص ۳۹.
 ۲. مرآة‌العالم (تاریخ اورنگ‌زیب - تألیف ۱۰۷۸ ه)، محمد بختاور خان، به تصحیح ساجده علوی، اداره تحقیقات پاکستان، لاهور، مطبع ظفر سنز پرنترز، سال ۱۹۷۹ م، جلد دوم، ص ۴۴-۴۳.
 ۳. نگاهی به تاریخ ادب فارسی در هند، مؤلفه دکتر توفیق ه سبجانی، ص ۵۴۱.
 ۴. سفینه خوشگو، مرتبه سید شاه عطاء‌الرحمن عطا کاکوی، ص ۴۴.
 ۵. همان.

قسم حرف زده و مرزای مرحوم در تمام عمر دیوان کسی طلب نفرمود مگر دیوان حاجی که چند شبانه روز در مطالعه داشت و حساب می‌گرفت.^۱

حاجی محمد اسلم سالم از پاندیت‌های کشمیر بود به راهنمایی محسن فانی به اسلام گروید و در فن شعر از وی بهره‌مند شد.

از عبارات مزبور مقام سالم و ارزش کلام وی به وضوح می‌پیوندد. سراج‌الدین علی خان آرزو نوشته است که فقیر فیوض و برکات بسیار از دیوان ایشان دیده، الحق عجایب معنی‌بندی است. سالم خیلی شگفته، خوش صحبت کسی بود در مضمون‌یابی و خیال‌بندی و خوش محاورگی، وی از کشمیر چه که از جای دیگر هم بسیار کم برخاسته و اکثر اشعارش

دو سه تشبیه بدیع تازه دارد که کمال مراعات علیم بیان است و بعضی ابیات به سبب نزاکت تشبیه بفهم ناقص فهمان کم می‌آید. فقیر (آرزو) اوایل جوانی مطالعه دیوان او بسیار کرده و فیضها برداشته، افکارش همه انتخابی است.^۲

از نسخه کتابخانه رضا این بیان دکتر نورالحسن انصاری را تردید می‌شود که در نسخه بانکی پور پتنا کم و بیش هشت هزار بیت موجوداند چون خود در نسخه رضا هفت هزار بیت غزلیات‌اند. انصاری نوشته‌اند:

”در نسخه بانکی پور (پتنا) علاوه از دیگر اصناف منجمله و قصاید حمد و نعت، قصیده‌های متعدّد در مدح عالمگیر و اعظم شاه موجوداند“^۳.

افضل سرخوش در تذکره خود می‌نویسد:

”حاجی اسلم سالم از نوکران عمده اعظم شاه عالیجاه است، بسیار خوش فکر و معنی‌یاب است. این بیت او آینه خیال بلند اوست:

نبندد بر قفا ادبار دست جور ظالم را

همان پیش است پیکان از هوا چون تیر برگردد“^۴

۱. سفینه خوشگو، مرتبه سید شاه عطاء‌الرحمن عطا کاکوی، ص ۳۸.

۲. مجله کتابخانه خدا بخش، پتنا، شماره ۳، ص ۵۴.

۳. فارسی ادب بعهد اورنگ‌زیب، ص ۳۳۳.

۴. کلمات الشعرا، ص ۴۷.

با بررسی دیوان سالم موجود در کتابخانه رضا مبرهن می‌گردد که در شعرش گیرایی غنی، خیال‌پردازی و زیبایی‌های بیش و سوز و گداز فانی یافته می‌شود. دیگر اینکه واقعاً وی شاعر غزل بوده است. در غزل‌های وی سوختگی و گداختگی، کیف و سرمستی و معنویت به طرز احسن است. از خیال‌آرایی بی‌کار و تفنن‌آمیز شعرش پاک است. سالم در استقبال انداز صایب، کلیم، فغانی و بیدل غزل‌های گرانبمایه گفته است، ولی انداز وی منفرد بسیار جذاب است. بیشتر شاعران کشمیر در شعرهای شان به طرف جمالیات زیاد توجه داشته‌اند و غزل‌های شان غیر از سرایش معشوق چیزی نیست. محاکات بر تغزل غالب است، ولی این غزل سالم را ببیند که در این چه خوش امتزاج تغزل و محاکات نموده است:

خوش مبارز ای بوی گل رفتار می‌آیی، بیا	مست می‌آیی بیا، هشیار می‌آیی، بیا
نقش پایت جاده را امشب چراغان کرده است	از کجا ای شعله دیدار می‌آیی، بیا
چون سحر از ذوق می‌بالد به خود نظاره‌ام	مرحبا ای دولت بیدار، می‌آیی، بیا
می‌چکد از می به یادت نشسته چون اشک از کباب	می‌گدازد ساغر سرشار می‌آیی، بیا
از تو شد ای فیض معنی بزم سالم نوبهار	چون تجلی از در و دیوار می‌آیی، بیا

یک غزل دیگر به طور نمونه تقدیم می‌کنم ملاحظه فرمایید که در ترجمانی جذبه‌های عاشقانه چه مصورانه آینه‌واری نموده است. در این غزل یک ربط مسلسل و کیف جامع جا دارد و در آن توازن و آهنگ غزل دوچندان شده است:

اگر نور بصر می‌داشتم های	بهشتی در نظر می‌داشتم های
به دامن می‌شمردم چین زلفت	اگر عمر این قدر می‌داشتم های
چو شب می‌دیدمت در خواب تا صبح	ز بستر ماه برمی‌داشتم های
چه می‌شد گر به یاد کج کلاهی	گل سوری به سر می‌داشتم های
خوش آن شبها که چون مهتاب سالم	نگاهی در سفر می‌داشتم های

سراسر دیوان سالم مملو از اشعار حسین و لطیف است و مختلف روزن‌های فن شعر و ادب را و می‌کند. این ابیات عاشقانه را هم واری کنید:

به کوی شب گداز گریه‌ام می‌کرد طوفانی

که چون ابر بهار از سینه‌ام دل می‌چکید آنجا

شبی باشد که در آغوش ما بی‌انتظار آیی بغل وا کرده از مستی چو بوی نوبهار آیی

*

جان بهار، حسن چمن آفرین تو گل می‌خورد قسم به سر نازنین تو
دیوان سالم (نسخه رضا) از این بیت نعت آغاز می‌شود:
ای ذات تو مبداء همه آثار عیان را اسم تو مصور همه اسمای جهان را
و اختتام نسخه هم بر یک نعت می‌شود که در استقبال قدسی مشهدی گفته است:
ای که سردفتر ایجابی و امی لقبی نسخه کن فیکون را سخن منتخبی
عالمی بار دگر زنده به ایمان کردی تو که ایجاد همه خلق جهان را سببی
در همه خیل رُسل مهر نبوت باشد مهر تملیک تو، بر منصب والانسی
از یک نعت دیگر سالم حظ برید:

راز شفاعت که همه بحر رحمت است تقسیر کرده آیه عفو کریم را
لطف تو بر سر همه افراد کاینات قسمت نموده سایه فیض عمیم را
شاید بدل شود بهوای مدینهات از خلد هر سحر ملک آرد نسیم را
لطف نجات سالم عاصیت روز حشر باشد شفاعت تو شفا این سقیم را
رنگ فانی از حیات و کلام سالم غمّازی می‌کند. فانی که نشیب و فراز حیات را
بسیار دیده، سرد و گرم زمانه را چشیده بود، دلش از دار فانی سرد شده بود، چنگ بر
دامن قناعت زده و گوشه عزلت را گزیده تا آخر عمر از کشمیر پا بیرون نهد. در آخر
عمر در خدمت میان محمد امین دار مشرف شده و دست انابت به دامن وی زد. ولی
احمد علی هاشمی در تذکره مخزن الغرایب می‌نویسد که فانی خرقة درویشی از شیخ
محب الله اله‌آبادی داشت^۱.

فانی خود را از «اهل دین» و دل خود را «مخزن اسرار عرفان» می‌دانست، چنانکه
خود گفته است:

هر که هست از اهل دین گردد ز دنیا گوشه‌گیر
من هم از عالم گرفتم گوشه کشمیر را

۱. مجله هلال، کراچی، شماره ۱، ص ۴۲.

بدیهی است این طرز حیات وی بر افکار و خیالات اسلم سالم اثرانداز شده بود که در کلام وی پند و اندرز درباره گوشه‌گیری و قناعت و اظهار بی‌لطفی از جهان فانی جای به جای در کلامش به مشابه می‌آید:

فقیر (سراج‌الدین علی خان
آرزو) اوایل جوانی مطالعه
دیوان او (سالم) بسیار کرده
و فیضها برداشته، افکارش
همه انتخابی است.

خرابات است بشنو شیخ پندِ سودمند اینجا
صدای قلقل و میناست از هر سو بلند اینجا
*

در مقام قرب او نیرنگها باشد مرا
شمع صبحم هر نفس رنگی جدا باشد مرا
*

آواز سفر قافله عمر چه پرسی هیهات بود هر نفسی بانگ درایی
(ص ۵۱۹)

*

چه باغ ایمنی پیری است باید فیض دید اینجا
بهشت جلوه مهتابی است ابر سفید اینجا

*

چراغ دیر و شمع و کعبه را آتش نمی‌داند
غمش یکرنگ می‌سوزد همان دل را همان ما را

*

رستم ز خویش و غوطه زدم در محیط عشق
گم شد وجود من چو نفس در هوا بین
(ص ۴۶۲)

*

لذت‌چش دعای شیم یامجیب کن در خلوت نماز حضورم نصیب کن

*

به‌رنگ سایه خواهم سجده آن خاک پا کردن
نمازی با حضور دل توان اینجا ادا کردن
(ص ۴۵۴)

در جای به جای دیوانِ سالم رنگِ کلام بیدل نمایان است. این هم سببی بود که بیدل کلامش را می‌پسندید. تشبیهات و ترکیبات، ارسال‌المثل، نزاکتهای خیال و صور خیال چون کلام بیدل در کلامش مشهود است. به‌طور شواهد، ابیات زیر تقدیم می‌شود. لطفاً دربارهٔ مقام و ارزش کلام سالم قضاوت بکنید. بیدل «دل» را عالمِ اکبر می‌شمارد. سالم هم می‌گوید:

میرس از عالمِ دل شش جهت نور است نور اینجا

حُضیض و اوج دشتِ ایمن است و کوهِ طور اینجا

*

بس که دل را غوطه دادم در خم نیرنگها هر خیالم چون نگاهِ مست دارد رنگها

*

بجوش آمد شراب ناب و رنگین شد ترنمها

بهر میخانه یارب یاربی دارد دلِ خُمها

الفاظ و ترکیبات خاص بیدل در اشعار حاجی اسلم

حیا: می‌کنی رم از حیا نازم حیا نازم حیا

می‌رمی از تابِ زلفِ خو جدا نازم حیا

حیرت: بزم قدس است که حیرت می ناب است اینجا

از ازل تا به‌ابد عالمِ آب است اینجا

وحشت آباد: خانه بردوش خیال معنی بیگانه‌ام

وحشت آبادی بود از وادی عنقا جدا

به‌بال نامه‌بر طوفان بستن: دو عالم بر نمی‌تابد شکوهِ شوق سرکش را

چسان بندم ببالِ نامه‌بر طوفان آتش را

رنگِ وحشت: سخت‌تر شد ز رمیدن گره الفتِ ما

می‌طپد در دلِ صیّادِ رگِ وحشتِ ما

آبِ آینه: سالم در آب آینهٔ ما گداخت رنگ

گم شد چو هاله نورِ یقین در گمانِ ما

صدای یارب: چمن چه حلقهٔ ذکر است در دلِ شبها

صدای وا شد گلهاست شور یاربها

- خواب عنقا: اگر فکر سخن سازان چنین نازک شود سالم
خیال از تهمت پروانه بندد خواب عنقا را
وحدت و کثرت: ماه بدر امشب که از موج قدح آینه ساخت
می کند رندانه سیر وحدت در کثرتی
شیشه ساعت: همچو رنگ شیشه ساعت گران جانان دهر
سر به هم آورده و دارند از هم وحشتی
(ص ۵۲۲)
- آغوشِ عریانی: جبین مست است و دارد زیر لب گلبانگ سبحانی
نمی گنجم برنگ شعله در آغوش عریانی
(ص ۵۰۶)
- از کتان مهتاب جوشیدن: تجلی خانه معشوق باشد استخوان من
چو بو از برگ گل مهتاب جوشد از کتان من
(ص ۴۶۶)
- غبارِ آسیا: نگنجد در کنار هستی ام جوش صفای من
فروغ صبحدم باشد غبار آسیای من
(ص ۴۶۲)
- آب شدنِ نظاره: چون شمع سوخت دیده سالم در انتظار
نظاره آب می شود ای بی وفا بین
(ص ۴۵۷)

بیان احوال واقعی و حب کشمیر در کلام سالم

در دیوان سالم دو غزل با ردیف «گل» است که شهر گل (کشمیر) را بسیار زیبا جلوه داده است. ابیات زیر را مشاهده نمایید:

سیر دارد در چمن فیض بهار و جوش گل
چون شفق صد رنگ گل می روید از آغوش گل

*

می کند هر صبح می در ساغر شبنم بهار از لب هر برگ بشنو بانگ نوشا نوش گل
(ص ۳۷۸)

غزل دیگر:

نو بهار است و زمین تا آسمان لبریز گل / آشیان ببلان چون هاله رنگ‌آمیز گل

احوال واقعی شاعر:

چیست دانی عمر رنجور به غم پرورده‌ای

از شب و روز جهان صد زخم کاری خورده‌ای

احوال واقعی شاعر:

صبح شام از سیلی افلاک ایمن نیستیم

شد جوانیهای ما هم‌رنگ خون مرده‌ای

احوال واقعی شاعر:

در جای به جای
دیوان سالم رنگ کلام
بیدل نمایان است. این
هم سببی بود که بیدل
کلامش را می‌پسندید.

سالم ز هند منحنی و پیر می‌روی / نصف دل تو خوش که به کشمیر می‌روی
در نوبهار عمر به هند آمدن چه بود / بی‌درد زود آمدی و دیر می‌روی
از هند دلکشای به کشمیر دلپذیر / خوش در پناه قسمت و تقدیر می‌روی
(ص ۵۰۴)

از ابیات محوّه این امر به وضوح می‌پیوندد که چون سالم بعد از کشته شدن ممدوح خود از طرف شاه عالم، وقایع‌نگار تاریخ کشمیر مفوّض می‌شود و به کشمیر باز می‌گردد ولی با وصف دل‌شکستگی و پیری اظهار خوشوقتی می‌کند. آخر شاعر پسندیده همانجا در سال هزار و صد و نوزدهم از بار عنصری سبکدوش (بازنشسته) می‌گردد. در شاگردانش محمد فیضان و محمد مقیم آزاد مصاحب سید امیر خان بوده‌اند. اول‌الذکر اهل دهلی و ماهر موسیقی و خوشخطی بود، وفاتش در سال ۱۱۵۰ هجری واقع گردید.

حالا می‌خواهم نسخه خطی دیوان سالم خزانه کتابخانه خدابخش (پتنا) را بنابر اطلاعات فهرست‌نگار^۱ معرفی نمایم. ورق اب به این غزل آغاز می‌شود:
ای ذات تو مبدأ همه آثار عیان را / اسم تو مصور همه اسمای جهان را
از ورق ۲۳۴، رباعیات دیده می‌شوند، اولین رباعی این است:

۱. وضاحتی فهرست خطی، بخش سوم، ص ۱۹۱.

در سایه کعبه فیض‌ها بود بسی دل داشت چو مستجار فریادرسی
 یکچند چو ریسمان دلو زمزم در خلد به کام دل کشیدم نفسی
 تعداد رباعی‌ها تا چهارصد و پنجاه می‌رسد. از ورق شماره ۲۶۲ مخمّسات آغاز
 می‌شود. نخستین مخمّس به این‌طور آغاز می‌شود، ه:

نازنینی نازنین ای نازنین دلدار، هی

ورق شماره ۲۶۶، مثنوی گنج معانی دارد و چنین شروع می‌شود:

الهی خاطر بی‌آرزو ده حبابم را بدریا شست و شوده

مثنوی به این بیت اختتام می‌پذیرد:

چو سالم هرکه شد در وصل فانی کند سیر بهشت جاودانی

بر ورق ۲۹۶، قصیده‌ای طویل در تتبع خاقانی موجود است، ه:

دل من کهنه غواصیست شور عشق عمانش ... الخ

بر ورق ۳۰۰ الف، قصیده دیگر به این مطلع است، ه:

ای مسلمانان صباح الخیر عید محشر است ... الخ

بر ورق ۳۰۴، قصیده‌های متعدّد که اغلب آنها در مدح اعظم شاه‌اند به این‌طور

آغاز می‌شود، ه:

حیّذا شد نیمه رنگینهای فقرم اوج گیر

بر ورق ۳۱۵، قطعات تاریخی‌اند که مشتمل بر تاریخهای از ۱۰۱۴ تا ۱۱۱۸ ه‌اند.

بر ورق ۳۴۲ الف مثنوی‌های کوتاه در مدح اسب، شمشیر و در بیان نوروز و جشن عید و

جشنهای دیگراند. مثنوی اول این چنین آغاز می‌یابد:

تعالی الله چه تیغ نصرت است این زهی قدرت چه دست قدرت است این

بر ورق ۳۵۴، یک مثنوی در مدح «عیدگاه کشمیر» به این بیت آغاز می‌شود:

تمنای جنان کردن گناه است درین موسم که فصل عیدگاه است

بر ورق ۳۵۵ الف، مثنوی دیگر در «مدح اسب» است:

شود آن سبکرو چو مست خرام نگردد تر از بحر نعلش تمام

آخرین بیت این مثنوی بر آخرین ورق این است:

که هم رونق دین شود آشکار هم از باغ دنیا کند گل بهار

خلاصه کلام نسخه‌های دیوانِ سالم کشمیری بسیار مهم‌اند. از بررسی آنها گوشه‌های پوشیده ادبی فرهنگی و تاریخی کشمیر و خواهد شد. لذا لازم می‌دانیم که نسخه‌ای جامع ترتیب داده شود و از زیور طباعت آراسته گردد. در آخر به کتابدار کتابخانه رضا و نیز مدیر کتابخانه آقای پروفسور شاه عبدالسلام هدیه تشکر تقدیم می‌کنم که شانس استفاده آن نسخه به من ارزانی فرمودند. هردو صاحبان در نگهداری کتابهای گرانبهای فارسی، عربی، اردو، پشتو و انگلیسی از صمیم دل و جان فعال و کوشایند. محققان را همکاری می‌نمایند و برنامه‌هایی دارند که در پیشرفت زبان و ادب فارسی و عربی و اردو خیلی مفید می‌باشد. هردو دانشمندان شهیر زبان فارسی و عربی‌اند، از خداوند متعال آرزو مندم که در تکمیل منصوبه‌های ایشان توفیق شایانی ارزانی نماید.

منابع

۱. سفینه خوشگو، مرتبه سید شاه عطاء الرحمن عطا کاکوی، اداره تحقیقات عربی و فارسی پتنا، مطبع لیبلیتو پریس، پتنا، ۱۹۵۹ م.
۲. فارسی ادب بعهد اورنگ‌زیب، دکتر نورالحسن انصاری، اندو پرشین سوسائتی، دهلی، ۱۹۶۹ م.
۳. کلمات الشعرا، محمد افضل سرخوش، مرتبه صادق علی دلاوری، مطبع دین محمدی، لاهور، ۱۹۴۲ م.
۴. مجله کتابخانه خدابخش، مرتبه دکتر عابد رضا بیدار، مطبع لیتو پریس، پتنا، ۱۹۷۷ م، شماره ۳.
۵. مجله هلال، مدیر سید شیر محمد عابد، انتشارات اداره مطبوعات پاکستان، کراچی، ۱۳۷۸ ش، شماره ۱.
۶. مرآة العالم (تاریخ اورنگ‌زیب - تألیف ۱۰۷۸ هـ)، محمد بختاور خان، به تصحیح ساجده علوی، اداره تحقیقات پاکستان، لاهور، مطبع ظفر سنز پرنترز، سال ۱۹۷۹ م، جلد دوم.
۷. نذر مقبول، دکتر محمد عمر، مطبع نامی، لکهنو، فوریه ۱۹۷۷ م.
۸. نگاهی به تاریخ ادب فارسی در هند، دکتر توفیق ه سبجانی، شعرای گسترش زبان و ادبیات فارسی، سال ۱۳۷۷ ش.
۹. وضاحتی فهرست خطی کتابخانه خدابخش، پتنا، ۱۹۷۷ م، بخش سوم.